



«فرهیختگان» گزارش می‌دهد

# ایست قلبی صهیونیست‌ها در «قلب‌تپنده مقاومت»



**فرهیختگان** تهران هفته شلوغی را از سر گذرانده است. شنبه فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان سعودی وارد ایران شد و یک روز پس از آن شوکت میرضیایف، رئیس‌جمهور ازبکستان راهی تهران گشت. پس از این دو مقام عالی‌رتبه منطقه‌ای روز گذشته اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در نوار غزه نیز وارد ایران شد. ورود هیات سیاسی حماس به تهران درحالی است که از هفته گذشته زیاد النخاله، رهبر جنبش جهاد اسلامی فلسطین به همراه هیات همراهش در ایران حضور دارند. این گروه روز چهارشنبه با آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب دیدار کرده و روز گذشته نیز با سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور گفت‌وگو کردند.

حضور همزمان رهبران دو جنبش اصلی مقاومت فلسطین، حکایت از وقوع تحولی جدی دارد؛ تحولی که پیام خاص فیصل بن فرحان و پاسخ تلویحی ایران به واسطه‌گری او نشان‌دهنده قرار داشتن رژیم در معرض طوفانی جدی است. رهبر انقلاب روز چهارشنبه هفته گذشته در دیدار با هیات جنبش جهاد اسلامی فلسطین به آنها تاکید کرده بود: «اقتدار روزافزون گروه‌های مقاومت در کرانه باختری، کلید اصلی به زانو درآوردن دشمن صهیونیستی است.» تاکید دیگری از دلایل پیام فوری و با واسطه صهیونیست‌ها به تهران است.

### رد و بدل پیام هسته‌ای در تهران

به گفته منابع آگاه فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان سعودی در تهران در کنار گفت‌وگو بر سر روابط دوجانبه حامل نوعی پیام از سمت رژیم صهیونیستی نیز بوده است. صهیونیست‌ها به شدت در منطقه کوچک و پرجمعیت فلسطین شمالی تحت فشار قرار دارند. در این منطقه ۱۰ میلیون نفری که شامل ۵ میلیون فلسطینی و ۵ میلیون صهیونیست است، اشتغال کرانه باختری که در مجاورت قلب نقاط استقراری صهیونیست‌ها در فلسطین قرار دارد می‌تواند به پایان موجودیت این رژیم ختم شود؛ تهدیدی که از غزه دست‌کم تا سال‌های بعد قابل تصور نیست. شاهد این ادعا مقایسه تعداد تلفات اندک صهیونیست‌ها بر اثر حملات سنگین راکتی غزه در مقابل تلفات شدید آنها در برابر حملات مسلحانه ساده در کرانه باختری است.

به نظر می‌رسد صهیونیست‌ها با توجه به حساسیت مساله کرانه باختری به ایران پیشنهاد داده‌اند تا در برابر آرام ساختن کرانه باختری حاضر به مذاکره درباره سلاح‌های هسته‌ای خود هستند. این مساله می‌تواند زمینه‌ساز خلع سلاح هسته‌ای منطقه شود زیرا تنها دولت هسته‌ای منطقه تل‌آویو است. با این وجود نگاه ایران به رژیم صهیونیستی ویژگی‌هایی منحصربه‌فرد دارد. تهران این رژیم را نه یک کشور بلکه موجودیتی اشغالگر و مصنوعی می‌داند که به‌عنوان یک پروژه غربی در منطقه جاممایی شده تا مانع از خیزش کشورهای اسلامی شده و محافظ غرب در برابر توسعه شرق باشد. همچنین از سوی دیگر تهران فارغ از نگاه ماهیتی خود به

مالی و تسلیحاتی متصل هستند، فراهم می‌آورند. گروه‌های مقاومت خارج از سرزمین‌های اشغالی همچنین انبساط‌دهنده فضای فعالیت گروه‌های مقاومت فلسطینی هستند، به‌عنوان نمونه اگر طی یک جنگ عرصه بر گروه‌های مقاومت غزه تنگ شود، آنگاه راکت‌هایی از سمت لبنان به سرزمین‌های اشغالی پرتاب و همزمان پهپادهایی از سوریه راهی این منطقه خواهند شد. این تهدید موجب می‌شود صهیونیست‌ها از تنگ کردن دایره عمل گروه‌های مقاومت عاجز شوند. با وجود این نقشه کلان اما طرح‌ها به‌طور جدی بر کرانه باختری متمرکز است؛ تمرکزی که باعث‌شده در سال جاری ۷۰ درصد از توان ارتش رژیم به‌شکلی پیوسته مشغول این منطقه باشد. درخصوص تمرکز بر کرانه باختری و ارتباط آن با حضور همزمان رهبران جهاد اسلامی و حماس در تهران نکاتی وجود دارد:

حمایت سنگین از گروه‌های مقاومت فلسطینی مانند حماس، جهاد اسلامی و شاخه‌های مختلف نظامی فتح و همچنین گروه‌های نوظهوری مانند عین‌الاسد، یک ضربه سنگین به تشکیلات خودگردان به‌عنوان عامل فلسطینی رژیم صهیونیستی برای سرکوب فلسطینی‌هاست. این طرح نمونه موقتی نیز دارد؛ در سال ۲۰۰۷ حماس موفق شد تشکیلات خودگردان را از نوار غزه که ۴۰ درصد از جمعیت تحت کنترل این تشکیلات در آن قرار داشتند، اخراج کند. تداوم رشد کمی و کیفی نیروهای مقاومتی در کرانه باختری و حمایت‌های مردمی از آنان که صهیونیست‌ها را به رویارویی مستقیم به فلسطینیان می‌کشاند عملاً تشکیلات خودگردان را

از معادله خارج می‌کند. تشکیلات خودگردان در زمان قدرتش با سروسو‌های امنیتی خود به مبارزه با گروه‌های مقاومتی پرداخته و اعضای آن را شهید یا اسیر می‌کند. حالا با تضعیف موقعیت آن، صهیونیست‌ها مجبورند وارد درگیری با فلسطینیان شوند و به‌جای کشته‌شدگان فلسطینی در هر دو طرف ماجرا، از این به بعد کشته‌های یک‌طرف صهیونیست خواهند بود. ظرفیت یافتن گروه‌های مقاومت فلسطینی در روابط خارجی مردم فلسطین همان گونه که از سفرهای متعدد مقامات حماس به کشورهای اسلامی و حتی روسیه برمی‌آید و همچنین اخیراً سفرهای مهم زیاد النخاله، رهبر جهاد اسلامی به عراق و دیدار با رهبران این کشور، می‌تواند به کاهش مشروعیت و عاملیت خارجی نهاد‌های تحت‌امر محمود عباس در روابط ملت فلسطین با دیگر کشورها منجر شود. واکنش عصبی تشکیلات خودگردان به تحولات منطقه شاهده بر موفقیت این تلاش‌هاست. تشکیلات خودگردان روز یکشنبه مدعی شد که «معامله تصویب توافق هسته‌ای با ایران در ازای اجازه دادن به رژیم صهیونیستی برای تشدید فعالیت‌های ساخت شهرک در سرزمین‌های فلسطین» مخالف است؛ ادعایی دروغ که تلاش‌شده بر موج پیام‌رسانی وزیر خارجه عربستان در تهران ساخته و پرداخته شود.

گروه حماس در نوار غزه به این دلیل که متولی امور روزمره مردم و اداره این منطقه شده، دچار محدودیت حرکتی شده است. حماس همچنین مجبور است حافظ روابط خارجی غزه با اعراب و کشورهای اسلامی باشد، به همین دلیل این محدودیت تحرک در روابط خارجی نیز

رژیم، می‌داند صهیونیست‌ها در چنین پیشنهادهایی صادق نیستند. وجود تسلیحات هسته‌ای در دستان رژیم قابل راستی‌آزمایی نیست. سلاح‌های از دست رفته به سرعت توسط همان کشورهایی که تسلیحات آماده را در اختیار رژیم گذاشتند، قابل جبران است و از سوی دیگر حتی به نظر نمی‌رسد رژیم خواهان رسیدن مذاکرات خلع سلاح به نتیجه مشخص باشد. از سوی دیگر تل‌آویو خواهد کوشید از کنار مذاکرات خلع سلاح هسته‌ای پنجره‌ای به سمت پذیرش منطقه‌ای موجودیت خود بیابد.

به زعم مقامات صهیونیست، سلاح هسته‌ای اگرچه در میدان به کار رژیم‌شان نیامده و آنها بدون آنکه قادر به استفاده از چنین سلاح‌هایی باشند در آستانه فروپاشی قرار گرفته‌اند، اما حداقل می‌تواند ضمن کاستن از سرعت فروپاشی حتی به عاملی برای پذیرش منطقه‌ای تل‌آویو تبدیل شود. با این حال ایران، هم با ماهیت وجود رژیم مخالف است و هم در صورت متفاوت بودن شرایط، اعتمادی به آنها ندارد. رژیم می‌تواند تسلیحات هسته‌ای خود را نگاه دارد تا با آنها فروپاشی خود را ببیند.

### در فلسطین چه خبر است؟

گروه‌های فلسطینی همزمان با دیگر گروه‌های عضو محور مقاومت درحال هماهنگی برای تشدید اوضاع علیه رژیم صهیونیستی هستند. آنها در داخل سرزمین‌های اشغالی تمرکز صهیونیست‌ها را برهم زده‌اند و زمینه آسیب‌پذیری تل‌آویو از منابع تهدید خارجی را که به منابع عظیم انسانی،

تکثر ابزارهای اقتدار ایران برابر تحریم به‌عنوان تنها سلاح غرب احیای برجام ناممکن کرده بود

## چگونه «کمتر در برابر کمتر» مطرح شد؟

۱ تهران در آن سال‌ها درگیر مبارزه‌ای فراگیر با گروه‌های تروریستی تکفیری در سوریه و عراق بود. در جریان گفت‌وگوهای هسته‌ای چند گروه تروریستی در مجموع ۷۰ درصد خاک سوریه و گروه داعش نیز ۴۰ درصد خاک عراق را در اشغال خود داشتند. واشنگتن هرچند از حضور تهران در این نبردها که مانع از نابودی دولت‌های دمشق و بغداد می‌شد به‌طور کلی ناخرسند بود اما طمع داشت این نبردها برای ایران به یک باتلاق تبدیل شده و توان تهران طی جنگ‌هایی که بی‌انتهای تلقی می‌شدند، فرسایش یابد. با پیروزی ایران و همپیمانانش در جنگ‌ها، آمریکا که توازن را برهم خورده می‌دید در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد، زیرا با پیروزی محور مقاومت به رهبری ایران، پرونده منطقه‌ای همانند پرونده هسته‌ای از درجه حساسیت بالایی برخوردار شده و نیازمند ابزاری برای مهار بود. تا پیش از خروج از برجام، تنها پرونده حساس برای آمریکایی‌ها، پرونده هسته‌ای ایران بود که در ازای برداشتن تحریم‌ها تا حدودی حل می‌شد. با افزودن شدن پرونده منطقه‌ای به سطوح بالای حساسیتی، واشنگتن دست به خروج از برجام زد. این اقدام بیش از هر چیز، ناشی از تنگنای ابزاری آمریکا بود. آمریکا در میان تمام ابزارهای خود، هیچ ابزاری به کارایی تحریم‌ها نداشت. آنها این تنها ابزار خود را خرج پرونده هسته‌ای کرده بودند و برای پرونده منطقه‌ای چیزی برای خرج کردن نداشتند. امروزه در کنار تشدید وضعیت هسته‌ای و منطقه‌ای، پرونده موشکی ایران با حملات علیه عین‌الاسد و پرونده ادعایی پهپادی و صادرات تسلیحات ایران به روسیه برای استفاده علیه اوکراین، وسعت پرونده‌های میان ایران و آمریکا افزایش یافته است و واشنگتن در همه این موارد، به‌طور موثر صفا از اهرم «تحریم» بهره می‌برد. در چنین وضعیتی، واشنگتن عاقلانه نمی‌بیند که تنها برای حل یک پرونده، تمامی آنچه را که دارد، خرج کند. از این‌روست که دیگر برجام به سادگی قابل احیا نیست، واشنگتن به دلیل نیاز به تحریم‌ها برای استفاده در پرونده‌های اختلافی دیگر، مسیر «کمتر در برابر کمتر» را مناسب حال خود می‌بیند. از سوی دیگر ابعاد پرونده‌های اختلافی میان دو کشور چندان گسترده شده است که مذاکره

آمریکایی از جمله آنتونی بلینکن، وزیر خارجه این کشور هرگونه توافق را با ایران تکذیب کرده‌اند؛ مساله‌ای که نشان می‌دهد دولت بایدن به دلیل هراس از متهم شدن در داخل آمریکا نسبت به هرگونه توافق مکتوب با ایران هراس دارد. چه اینکه اگر توافق جامع ۲۰۱۵ به عاملی برای متهم ساختن دموکرات‌ها مبدل شد، مشارکت آشکار آنها در توافقی که ایران غنی‌سازی ۶۰ درصدی داشته و ذخیره مواد شکاف‌پذیر خود را حفظ کند، می‌تواند از لحاظ انتخاباتی مرگبار باشد. به همین دلیل توافقی درحالی شکل‌گیری میان ایران و آمریکا تا حد زیادی ضمنی خواهد بود. آمریکا برخی منابع مالی ایران را آزاد می‌سازد و در ازای آن ایران نیز بدون متنی مکتوب از غنی‌سازی فراتر از ۶۰ درصد خودداری خواهد کرد. خودداری بایدن از احیای توافق برجام و همچنین امضای یک توافق مکتوب کوچک‌تر نشان می‌دهد شعارهای او برای مهار برجام طی رقابت انتخاباتی ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ و پس از روی کار آمدن، فریب‌دروغ بوده است. به اعتقاد تحلیلگران در ایران، او با اتکا به این شعار قصد داشت از تمایل ایران برای توسعه برنامه هسته‌ای خود بکاهد. آنچه بایدن را به این توافق ملزم ساخت اقدام ایران در آغاز غنی‌سازی ۲۰ درصدی در سال ۱۳۹۹ براساس تصمیم مجلس بود. اقدامی که حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران از آن انتقاد کرد و مدعی شد این مصوبه عامل عدم احیای برجام بوده است. موضع‌گیری روحانی نشان می‌دهد بایدن با شعار خود سعی داشت ضمن فریب روحانی و دولت پس از وی، صفا با زمان خریدن از پیشرفت‌های برنامه هسته‌ای ایران جلوگیری کند. اقدامی که با خوانده شدن دست ایران و تصویب طرح مجلس ناکام ماند.

### چرا توافق «کمتر در برابر کمتر»؟

مطرح شدن توافق «کمتر در برابر کمتر» به جای احیای کامل برجام، بیشتر به دلیل توسعه و انبساط اختلافات میان ایران و آمریکاست. آمریکا در برهه‌ای که پرونده‌های موشکی و منطقه‌ای ایران در سال ۲۰۱۳ همانند پرونده هسته‌ای حساسیت‌برانگیز نبودند، حاضر به مذاکره با ایران

وجود دارد. در همین حال محور مقاومت درحال رشد دادن جهاد اسلامی است تا زنجیره خود در داخل سرزمین‌های اشغالی را تکمیل کند. درحالی که حماس امور غزه را اداره می‌کند و در پی بازدارندگی برای حفظ امنیت مردم است، جهان اسلامی می‌کوشد با مسئولیت پایین‌تر به رژیم ضربه بزند. این همکاری پیچیده نیازمند فرآیندهای پیچیده‌تری برای هماهنگی‌های کلان است.

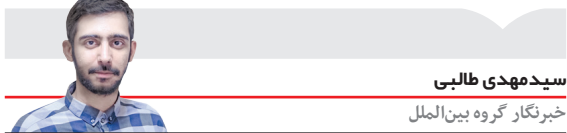
۳ اقدامات تک‌روانه کادر رهبری جنبش فتح و تشکیلات خودگردان باعث بروز شکاف میان گروه‌های متعدد فلسطینی شده است؛ هرچند شکاف به دلیل پراکنده بودن مراکز قدرت فلسطینی‌ها مشکلی قدیمی به حساب می‌آید. ایران با بازیگری میان گروه‌های فلسطینی به دنبال ایجاد اتحاد و هماهنگی میان آنان است. اگر حماس تک‌راس گروه‌های مقاومت فلسطینی باشد، شاید برخی گروه‌ها نسبت به همکاری با آن خودداری کنند اما همین گروه‌ها حاضر به همکاری با جهاد اسلامی باشند. این مساله برعکس نیز می‌تواند باشد و گروه‌هایی از همکاری با جهاد خودداری کرده و نسبت به حماس دارای نظری مثبت باشند. قرار گرفتن دو گروه حماس و جهاد اسلامی در راس رهبری گروه‌های مقاومتی فلسطین می‌تواند چتر این رهبری را وسیع‌تر سازد.

۴ رهبر انقلاب ایران بارها از قریب‌الوقوع بودن فروپاشی رژیم صهیونیستی درصورت تداوم مقاومت خبر داده‌اند. ایشان پس از انعقاد توافق برجام و خوشبینی صهیونیست‌ها نسبت به تضمین امنیت‌شان طی ۲۵ سال آینده تاکید کردند این رژیم ۲۵ سال آینده را نخواهد دید. ایشان در پی تشدید اختلافات داخلی صهیونیست‌ها نیز اعلام کرده‌اند صهیونیست‌ها خود خواهان تسریع در فروپاشی‌شان هستند.

سردار اسماعیل قآنی، فرمانده سپاه قدس که به‌طور مستقیم توسط رهبر انقلاب انتخاب شده و متمرکز بر قضیه فلسطین است، پس از جنگ ۱۱ روزه ماه می ۲۰۲۱ و انهدام تعدادی از انبارهای سوخت رژیم از توانایی گروه‌های مقاومت حاضر در غزه برای تخریب تعداد بیشتری از تأسیسات صهیونیست‌ها خبر داد، اما تاکید کرد این گروه‌ها به این دلیل دست به تخریب عظیم تری نمی‌زنند تا در آینده با تشکیل دولت فلسطین و اخراج صهیونیست‌ها، مردم فلسطین از این زیرساخت‌ها بهره‌مند شوند. او در همان زمان تاکید کرده بود فلسطینی‌ها باید آماده تشکیل دولت برای مدیریت سرزمین خود باشند. سردار قآنی پس از این اظهارنظر نیز بارها تهدیدات سنگینی را علیه رژیم مطرح کرده و به ساکنان سرزمین‌های اشغالی هشدار داده بود، پیش از آنکه دیر شود فلسطین را ترک کنند.

مواضع رهبران ایران طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد اگر هدف کلان جمهوری اسلامی «حمایت از قضیه فلسطین تا نابودی رژیم» و «حمایت از تمام گروه‌های فلسطینی در سراسر این کشور» بوده است اما امروزه به‌طور خاص برای پیگیری این هدف، تمرکز بر تسریع در فروپاشی رژیم، «واشغال ساختن کرانه باختری» انتخاب شده‌اند.

## گزارش



سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه بین‌الملل

حسین امیرعبدالمطه‌ایان، وزیر خارجه ایران از روز گذشته سفر دوره‌ای خود به کشورهای عمان و قطر را آغاز کرده است. پایگاه خبری العربی‌الجدید به نقل از منابع مطلع ایرانی مدعی شده در این سفر در کنار پیگیری روابط دوجانبه به پرونده‌های مهم میان ایران و آمریکا هم پرداخته خواهد شد. به نظر می‌رسد سفر وزیر خارجه ایران به دو کشوری که میانجیگری میان تهران و واشنگتن را برعهده دارند، بیش از روابط دوجانبه بر همان نقش میانجیگران متمرکز است. گفته می‌شود در این سفر همان‌گونه که رسانه‌ها طی هفته‌های گذشته گزارش کرده‌اند، درباره آزادسازی زندانیان دو طرف و همچنین آزادسازی منابع مالی بلوکه‌شده ایران در بانک‌های کشورهایمانند ژاپن و کره‌جنوبی، گفت‌وگو خواهد شد. نشریه صهیونیستی‌ها آرتص دو هفته قبل به نقل از مقام‌های رژیم صهیونیستی گزارش کرد ایران و آمریکا در جریان گفت‌وگوهایشان به پیشرفت‌های عمده‌ای دست یافته‌اند و گفت‌وگوها از آنچه تصور می‌شد سریع‌تر پیش می‌رود. براساس این گزارش آمریکا در ازای خودداری ایران از حرکت به سمت غنی‌سازی ۹۰ درصدی، ۲۰ میلیارد دلار از دارایی‌های توقیف‌شده ایران در حساب‌های بانکی در کره‌جنوبی، عراق و نزد صندوق بین‌المللی پول را آزاد می‌کند.

این پیش‌بینی‌ها با خبرهای منتشر شده بعدی تقویت شدند. محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور ایران چند روز بعد از این گزارش از آزاد شدن پول‌های بلوکه‌شده تهران در برخی کشورهای خیرداد و اعلام کرد مبالغ دیگری هم در آینده آزاد خواهند شد. تقریباً به‌طور همزمان متئو میلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز طی نشستی خبری ضمن تایید آزادسازی منابع مالی ایران، استفاده از آن را مشروط به خرید کالاهای «بشردوستانه» مانند غذا و دارو دانست. با وجود این تایید، مقامات

